

آثار و کارکردهای معنویت در جنگ‌های صدر اسلام

دکتر ناصر رفیعی محمدی
عضو هیئت علمی جامعه المصطفی



چکیده

در این نوشتار کارکردهای معنویت در نبردهای صدر اسلام مورد بررسی قرار گرفته است. محدود پژوهش، نبردهای پیامبر اکرم (ص) می‌باشد. چهار عنوان خدامحوری، دعا در نبردها، نماز و رعایت ارزش‌های اخلاقی، با نکر شواهد و نمونه‌هایی و با استناد به آیات و سیره پیامبر اکرم (ص) مورد بررسی قرار گرفته است. کلید واژه‌ها: کارکرد، معنویت، جنگ، صدر اسلام.

تاریخ زندگانی رسول اکرم (ص) در ابعاد مختلف، دلنشین و درس آموز است، اسلام در سایه مجاهدت‌های خستگی‌ناپذیر آن حضرت و وفاداری اصحاب و یارانش به جهانیان عرضه شد، و ندای توحید ناب در همه جا طنین افکن گردید، روزی که از غار حرا پایین آمد یاران اندکی داشت، حتی بزرگان قبیله خودش با او مخالفت کردند، با تهمت و سنگ و تندی با او برخورد نمودند، یارانش را شکنجه کردند، سال‌ها وی و اصحابش را در شعب ابی طالب تبعید کردند اما روزی که از منبر بالا رفت تا با مردم وداع کند، هزاران نفر به او پیوسته بودند و به او عشق می‌ورزیدند، جوانانشان را در جنگ‌ها تقدیم کردند و بر سلامت پیامبر شاکر بودند. افراد برای شهادت پیشگام می‌شدند، جوانان حجله عروسی را رها کرده و به میدان نبرد می‌آمدند، راستی کدام جاذبه این چنین در جامعه عرب تحول آفرید، این تحول نبود مگر در پرتو معنویت و خدا محوری، پیامبری که هرگز از خود نگفت و به خود دعوت نکرد و همواره پیشگام بود، به تعبیر قرآن کریم او داعیاً الی الله و سراجاً منیراً بود، بردبارانه در برابر سختی‌ها مقاومت کرد، صفوف مسلمانان را متحد کرد و از جامعه در آستانه سقوط و غرق در ارزش‌های جاهلی، جامعه‌ای نو و پویا ساخت، رعایت معنویت در سراسر زندگی پیامبر، موضوع پژوهشی گسترده است اما در این نوشتار تنها به کارکردهای معنویت در نبردهای صدر اسلام می‌پردازیم، امید است که همه ما زندگی سراسر نورانی آن حضرت را الگو قرار داده و پیروان خوبی برای ایشان باشیم.

مفهوم‌شناسی لغوی

کارکرد: مصدر مرتخم از کار کردن به معنای عمل و رفتار.^۱
معنویت: منسوب به معنوی از معنی مقابل لفظی یعنی حقیقی، راست، اصلی، ذاتی، مطلق، باطنی و روحانی مقابل مادی مقابل صوری، مقابل ظاهری، معنایی که فقط به قلب شناخته می‌گردد و زبان را در آن بهره‌ای نیست.^۲
جنگ: جدال، قتال، کارزار، ستیز، نبرد، ناورد، پیکار، غزوه، حرب، رزم، هیجا.^۳

مفهوم‌شناسی اصطلاحی

مراد از کارکردها در این پژوهش، بررسی تأثیر و نقش معنویات در پیروزی، شکل‌گیری و قدرت مقاومت در نبرد است، مراد از معنویت نیز اقدامی است که در مسیر توجه به خدا

صورت گرفته و منشأ بهره‌مندی از امداد الهی شده است. معنویت یعنی ارزش‌های متعالی، اخلاقی و والایی که از متن دین گرفته شده است. اساس معنویت باور به مبدأ و معاد است، معنویت دینی منهای ایمان به خدا و معاد معنی ندارد، مکاتب مادی ضمن اعتراف به جایگاه و ضرورت معنویت آن را در قالب انکار خدا و الحاد جستجو می‌کنند، از نظر دین، زمینه معنویت در سرشت انسان‌ها نهاده شده است.

وَ أَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ فِعْلَ الْخَيْرَاتِ وَإِقَامَ الصَّلَاةِ
حَبِّبْنَا إِلَيْكُمُ الْبَيْعَانَ وَ زَيْنَهُ فِي قُلُوبِكُمْ.^۴

مرحوم شهید مطهری می‌نویسد: «معنویت بدون ایمان به خدا، بدون ایمان به مبدأ و معاد، بدون ایمان به معنویت انسان و اینکه در او پرتوی غیر مادی حاکم و مؤثر است اساساً امکان‌پذیر نیست حتی آن معنویتی که امروزه مورد قبول اغلب مکاتب است و از آن به رومانسیسم تعبیر می‌کنند، بدون پیدا شدن آن عمق و ژرفایی که ادیان به ویژه اسلام پیشنهاد می‌کنند، محال است.»^۵

هدف از جهاد در اسلام

اسلام دین رحمت، صلح، امنیت، الفت، تعاون و دوستی است، جنگ در اسلام راه کار اولیه نیست. اگر پیام دین از راه خطابه، تبلیغ و گفتگو به همگان رسیده و دشمنان مترض مسلمانان نشوند، نوبت به درگیری نمی‌رسد، جهاد و نبرد در اسلام به معنای واقعی کلمه، دفاعی است مسلمانان هیچگاه آغازکننده نبوده‌اند، قرآن کریم در یک پیام کلی می‌فرماید:

وَإِنْ جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْنَحْ لَهَا وَ تَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ.^۶

و اگر به صلح و آشتی گراییدند تو نیز به آن بگرای و بر خدا توکل کن که اوست شنوای دانا. تعبیر این جَنَحُوا لِلسَّلْمِ که با لام متعدی شده و در آن معنای قصد نهفته است دستور صریح و شفافی است بر پذیرش صلح و متارکه جنگ در اسلام به منظور نشر آزادی و زدودن ستم و نابرابری، هدف از جنگ، پشتیبانی از عقیده و ایجاد فضای معنویت در جامعه است. قرآن کریم می‌فرماید:

أَذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتَلُونَ بِأَنَّهُمْ ظَلَمُوا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ.^۷

از آنجا که انگیزه جهاد پاک‌سازی شرک، کفر و گسترش عدالت است قرآن کریم مشرکان جویای حقیقت را از جنگ و کشتن استثناء کرده و می‌فرماید:

وَإِنْ أَخَذَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ اسْتِجَارَكَ فَأَجْرُهُ حَتَّى يَسْمَعَ كَلَامَ اللَّهِ ثُمَّ أَبْلِغَهُ مَأْمَنَهُ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْلَمُونَ.^۹

و اگر کسی از مشرکان امان بخواهد به او امان بده تا کلام خدا را بشنود و سپس او را به جایگاه خود برسان زیرا آنان گروهی نادانند.

امام علی (ع) در آستانه نبرد صفین فرمود:

لَا تَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى يَبْدُؤَكُمْ فَاَنْتُمْ بِحَمْدِ اللَّهِ عَلَى حِجَّةٍ تَرْكُكُمْ اِيَّاهُمْ، حَتَّى يَبْدُؤَكُمْ حِجَّةً اٰخِرَى لَكُمْ عَلَيْهِمْ.

با دشمن جنگ را آغاز نکنید تا آنها شروع کنند، زیرا، به حمد الهی حجت با شماست و آغازگر نبودنتان حجت دیگر بر حقانیت شما خواهد بود.

مهم ترین اهداف جنگ در اسلام را می توان چنین برشمرد:

۱. تجاوز زدایی: قرآن کریم می فرماید:

وَ قَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ وَ لَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ.^{۱۰}

و در راه خدا با کسانی که با شما می جنگند، نبرد کنید و از حد تجاوز نکنید به درستی که خدا تجاوزگران را دوست ندارد.

۲. فتنه زدایی: قرآن کریم می فرماید:

وَ قَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَ يَكُونَ الدِّينُ لِلَّهِ فَإِنِ انْتَهَوْا فَلَا عُدْوَانَ إِلَّا عَلَى الظَّالِمِينَ.^{۱۱}

و با آنها نبرد کنید تا فتنه باقی نماند و دین مخصوص خدا گردد. پس اگر دست برداشتن (دست بردارید) زیرا تعدی جز بر تجاوزگران و ستمگران سزاوار نیست.

۳. تنبیه پیمان شکنان:

أَلَا تَقَاتِلُونَ قَوْمًا نَكَثُوا أَيْمَانَهُمْ وَ هُمْ بِإِخْرَاجِ الرَّسُولِ وَ هُمْ بَدَّؤْكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ.^{۱۲}

چرا با کسانی که پیمان های خود را شکستند و در صدد بیرون کردن پیامبر برآمدند پیکار نمی کنید، در حالیکه آنها نخستین بار آغاز کردند.

۴. ظلم ستیزی: قرآن کریم می فرماید:

أَذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ بِأَنَّهُمْ ظَلَمُوا وَ إِنْ اللَّهُ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ.^{۱۳}

به کسانی که جنگ بر آنها تحمیل شده اجازه جهاد داده شد بخاطر ستمی که به آنها شده و خدا بر یاری آنها تواناست.

۵. مقابله به مثل: قرآن کریم می فرماید:

فَمَنْ اعْتَدَىٰ عَلَيْكُمْ فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اعْتَدَىٰ عَلَيْكُمْ.^{۱۴}

پس هرکس بر شما تعدی کند، همانگونه به او تعدی کنید که بر شما تعدی کرده است.

نمودهای معنویت در جنگ های صدر اسلام

شاخصه نبردهای اسلامی بویژه جنگ هایی که با حضور پیامبر اعظم (ص) شکل گرفت، بهره مندی از معنویت و امداد الهی است جهاد و مبارزه اسلامی نوعی عبادت و راه وصول به تکامل و قرب الهی است.

امیرالمؤمنین (ع) می فرماید:

إِنَّ الْجِهَادَ بَابٌ مِنْ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ فَتَحَهُ اللَّهُ لِمَنْ تَقَوَّى وَهُوَ لِبَاسِ التَّقْوَى وَدَرَعِ اللَّهِ الْحَصِينَةِ وَجَنَّةِ الْوَثِيقَةِ.

همانا جهاد در راه خدا دری از درهای بهشت است که خدا آن را بر روی دوستان مخصوص خود گشوده است، جهاد لباس، تقوا، زره محکم و سپر مطمئن خداوند است. در بیان دیگر می فرمایند:

ان الجهاد اشرف الاعمال بعد الاسلام وهو قوام الدين والاجر فيه عظيم مع العزة والمنعة وهو الكثرة فيه الحسنات والبشرى بالجنة بعد الشهادة.^{۱۵}

همانا جهاد شریف ترین کارها بعد از اسلام است، جهاد مایه پایداری دین است و علاوه بر آن که عزت و اقتدار می آورد اجری بزرگ دارد جهاد یورش آوردن است، در آن نیکی ها و ثواب هاست و نوید به بهشت است بعد از وصول به شهادت.

با نگاه گذرا به نبردهای صدر اسلام و آیات نازل در این رابطه به خوبی آشکار می گردد که پیروزی محض و باهر قیمتی هرگز هدف نخستین نبوده است. در این نبردها مهم انگیزه و قصد الهی بود، گرچه منجر به شکست ظاهری شود، رسول خدا (ص) ادبیات نبرد را در جامعه اسلامی اصلاح کرد و مانع از نگاه کارکرد گرایانه و مادی به این درگیری ها شد. ایشان در نبرد اُحُد فرمود:

شما امروز در معرض اجر و پاداش هستید به شرط آنکه خدا را به یاد داشته باشید خود را به صبر و یقین آراسته کنید. بدانید که جهاد با دشمن سخت است و افرادی که ایستادگی کنند، کم هستند، مگر آنان که خداوند اراده آنها را قوی کرده است.^{۱۶}

در آستانه نبرد موته به اصحابش فرمود:

با نام خدا و در راه خدا حرکت کنید و با کسی که به خدا کفر می‌ورزد بجنگید و پیمان شکنی و خیانت نکنید، بچه‌ها را به قتل نرسانید.^{۱۷}

پیامبر اکرم و مسلمانان در سخت‌ترین مراحل نبرد و درگیری همواره رو به درگاه احدیت داشتند و هرگز روحیه نظامی و سیاسی آنان مانع از راز و نیاز آنان و رویکرد به معنویت نبود، اصل توجیه و وسیله به وسیله هدف را نمی‌پذیرفتند و در اوج نبرد مواظب رعایت ارزش‌های اخلاقی و دینی بودند. برخی شاخصه‌های این معنویت عبارتند از:

۱. انگیزه الهی:

شالوده و اساس عمل اختیاری و معیار ارزش‌گذاری افعال بشر، نیت و انگیزه انجام آن است، اساسی‌ترین پایه اخلاق و معنویت رانیت تشکیل می‌دهد، نیت روح و حقیقت عمل است، رابطه نیت و عمل، رابطه روح و جسم است.

امام علی (ع) می‌فرماید: «النَّيَّةُ أَسَاسُ الْعَمَلِ»^{۱۸} نیت شالوده کار است. عملی که بدون نیت صادر شود چون اندیشه درباره آن به کار نرفته و تصویری در ذهن ندارد تأثیری در کمال روحی و رشد معنوی ندارد، نیت‌ها تنوع پذیرند، افراد برای اعمال خود انگیزه‌های گوناگون و متفاوتی دارند. هنر یک انسان موحد آن است که به ترکیب نیات پرداخته و همه انگیزه‌ها را زیر چتر قصد قربت به خدا در آورد، رسول خدا (ص) به اباذر فرمود:

یا اباذر لیکن لک فی کلّ شیء نيةٌ صالحةٌ حتی فی النوم والاکل.^{۱۹}

ای اباذر باید در هر کاری نیتی پاک داشته باشی حتی در خوابیدن و خوردن در نبردهای پیامبر اکرم، بعد تصحیح نیت و اصلاح عقیده، موج می‌زند آن حضرت اجازه نمی‌داد به هر قیمتی مسلمانان پیروز شوند همواره بر اصلاح انگیزه و در نظر گرفتن خدا در نبردها تأکید داشت، قرآن کریم در آیات متعدد، بر در راه خدا (فی سبیل الله) بودن نبردها تأکید می‌کند.

وَمَنْ يُعَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيُقْتَلْ أَوْ يَغْلِبْ فَسَوْفَ نُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا.^{۲۰}

و هر کس که در راه خدا بجنگد و کشته یا پیروز شود به زودی پادش بزرگ به او خواهیم داد. در پیام بلند دیگری با همه عوامل سستی آور و ترس آفرین و زمینه‌ساز وابستگی مبارزه کرده و ضمن شمردن ۸ محور می‌فرماید: اگر اینها را بر خدا جهاد ترجیح دهید راه

فسق و گمراهی را پیموده‌اید، اینها هرگز شایستگی ندارند بین شما و فداکاری و جهاد در راه خدا حائل و مانع شوند.

قُلْ إِنْ كَانَ آبَاؤُكُمْ وَأَبْنَاؤُكُمْ وَإِخْوَانُكُمْ وَأَزْوَاجُكُمْ وَعَشِيرَتُكُمْ وَأَمْوَالٌ اقْتَرَفْتُمُوهَا وَتِجَارَةٌ تَخْشَوْنَ كَسَادَهَا وَمَسَاكِينُ تَرْضَوْنَهَا أَحَبَّ إِلَيْكُمْ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَجِهَادٍ فِي سَبِيلِهِ فَتَرَبَّصُوا حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ.^{۲۱}

بگو اگر پدران و پسران و برادران و همسران و فامیل شما و اموالی که جمع می‌کنید و تجارتی که از کسادش بیمناک هستید و خانه‌هایی که خوش می‌دارید، نزد شما از خدا و پیامبران و جهاد در راه خدا دوست داشتنی‌تر است، پس منتظر باشید تا خدا فرمانش را به اجرا درآورد؛ همانا خداوند قوم فاسق را هدایت نمی‌کند.

اینک به نمونه‌هایی کوتاه از خدا محوری در نبردهای پیامبر اشاره می‌کنیم:

۱-۱. نبرد بدر و خدامحوری

قرآن کریم در نخستین آیات از سوره انفال درس‌های آموزنده‌ای از نبرد بدر را ذکر می‌کند. در برخی از روایات آمده است رسول خدا (ص) به اتفاق همه مسلمانان دست خود را به سوی آسمان بالا بردند و عرضه داشتند.

اللهم انجزلی ما وعدتني اللهم ان تهلك هذه العصابة لا تعبد فی الارض.^{۲۲}

خدایا وعده‌ای را که به من دادی تحقق بخش، پروردگارا اگر این گروه مؤمنان نابود شوند پرستش تو از روی زمین برچیده می‌شود.

قرآن کریم این انابه والتجاء به درگاه خدا را گزارش نموده و می‌فرماید:

إِذْ تَسْتَعِينُونَ رَبِّكُمْ فَأَسْتَجَابَ لَكُمْ أَنِّي مُدِّدُكُمْ بِأَلْفٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُرَدِّينَ.^{۲۳}

(به خاطر آوردید) هنگامی که از پروردگارتان تقاضای کمک دارید و او تقاضای شما را پذیرفت و (گفت) من شما را با یک هزار از فرشتگان که پشت سر هم فرود می‌آیند یاری می‌کنم.

۲-۱. أخذ و خدامحوری

الف) در نبرد أخذ، حَمْنَه همسر عبدالله بن جحش نزد رسول خدا (ص) آمد، نبی مکرم اسلام او را از شهادت ۳ شهیدش باخبر نمود نخست دایمی‌اش حمزه سپس برادرش و شوهرش، سه مرتبه گفت انا لله وانا الیه راجعون.^{۲۴}

ب) حمراء الاسد

در پایان نبرد اُحد هنگامی که لشکر ابوسفیان به روحاء رسید از بازگشت پشیمان شد و تصمیم به نبرد مجدد با مسلمانان گرفت خبر به پیامبر اکرم (ص) رسید، اعلام بسیج عمومی داد. لشکر مجروح آماده شدند و در حمراء الاسد اردو زدند، در تجلیل از این کار مسلمانان، آیات زیر که نشان دهنده انگیزه الهی مسلمانان در پاسخگویی به خدا و پیامبر است نازل شد.

الَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِلَّهِ وَالرُّسُولِ مِنْ بَعْدِ مَا أَصَابَهُمُ الْقَرْحُ لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا مِنْهُمْ وَاتَّقُوا أَجْرٌ عَظِيمٌ ٢٥

آنانکه دعوت خدا و پیامبر را پس از آن همه جراحات‌هایی که به ایشان رسیده بود اجابت کردند، برای کسانی از آنها که نیکی کردند و تقوا پیش گرفتند، پاداش بزرگی است.

هنگامی که خبر بازگشت ابوسفیان به پیامبر و مسلمانان رسید، گفتند: «حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ».

خدای تبارک و تعالی این روحیه معنوی و خدا محوری مسلمانان را ستوده و می‌فرماید:
الَّذِينَ قَالَ لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ فَاخْشَوْهُمْ فَزَادَهُمْ إِيمَانًا وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ ٢٦

کسانی که بعضی از مردم به آنها گفتند مردم (دشمن) برای حمله به شما جمع شده‌اند، بترسید اما این سخن بر ایمانشان افزود و گفتند خدا ما را کافی است او بهترین حامی است. ٢٧

ج) بعد از نبرد احد که برخی مسلمانان سستی کرده و گریختند نبی اکرم به همراه تعداد اندکی از یاران به بالای کوهی رفتند و در آنجا پناه گرفتند ابوسفیان به پای کوه آمد و فریاد زد، «ان لنا عَزَى و لا عَزَى لَكُمْ» ما بت عَزَى داریم و شما ندارید.

رسول خدا (ص) فرمودند در پاسخ بگوئید: «اللَّهِ اَعْلَى وَاَجَلٌ خُدا بالاتر و بزرگ‌تر است.» ٢٨

٣-١. خندق و خدا محوری

پیامبر اکرم (ص) به مسلمانان خبر داد به زودی دشمنان دست به دست هم داده، به سراغ شما می‌آیند اما بدانید پیروزی با شماست. هنگامی که هجوم احزاب به مدینه آغاز شد، مسلمانان یقین کردند این همان وعده پیامبر است. ٢٩ اینان با تکیه بر خدا و وعده او به خود هیچ ترسی راه نداده و بر ایمانشان افزوده شد. قرآن کریم این ایمان را سخ و اعتقاد قلبی را چنین گزارش می‌کند:

وَلَمَّا رَأَى الْمُؤْمِنُونَ الْأَحْزَابَ قَالُوا هَذَا مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَصَدَقَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَمَا زَادَهُمْ إِلَّا إِيمَانًا وَتَسْلِيمًا ٣٠

هنگامی که مؤمنان لشکر احزاب را دیدند، گفتند این همان است که خدا و رسولش به ما وعده فرموده و خدا و رسولش راست گفته‌اند و این موضوع جز بر ایمان و تسلیم آنها چیزی نیفزود.

٤-١. فتح مکه و خدا محوری

الف) هنگامی که رسول خدا (ص) وارد مکه شد این آیه نازل گردید.

وَقُلْ رَبِّ أَدْخِلْنِي مُدْخَلَ صِدْقٍ وَأَخْرِجْنِي مُخْرَجَ صِدْقٍ وَ اجْعَلْ لِي مِنْ لَدُنْكَ سُلْطَانًا نَصِيرًا وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَرَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا ٣١

و بگو پروردگارا، مرا صادقانه وارد (مکه) کن و صادقانه خارج کن و از سوی خود سلطان و یاری دهی برای من قرار ده و بگو حق فرا رسید و باطل نابود شد و همانا باطل نابود شدنی است. ٣٢

این آیه شریفه ٣ عامل پیروزی در امور بویژه جنگ‌ها را ذکر می‌کند. ١. صداقت در آغاز کار. ٢. صداقت در پایان کار. ٣. تکیه بر قدرت خدا و اعتماد به نفس و اینکه حق همیشه پیروز است.

ب) هنگامی که ابوسفیان عظمت و شکوه سپاه اسلام را مشاهده کرد با تعجب گفت: لیت شعری بماذا غلبنی ای کاش می‌دانستم محمد چگونه بر من غلبه کرد؟

رسول خدا (ص) سخن او را شنید فرمود: «بالله غلبتک؛ با کمک خدا پیروز شدیم.» ٣٣

ج) امام صادق (ع) فرمود: «هنگامی مکه فتح شد رسول خدا (ص) کنار حجر الاسود نماز ظهر را به جماعت خواند سپس دست‌ها را بلند کرد و ٣ بار تکبیر گفت: آنگاه چنین خواند: «لا اله الا الله وحده وحده و اعز جُنْدِه و همزم الاحزاب وحده، فله الملك وله الحمد یحیی و یمیت وهو علی کل شیء قدیر.» ٣٤

٢. دعا و نیایش در نبردها:

دعا روح و مغز عبادت است، دعا کلید رحمت الهی، مایه تقرب به خدا، دوری از شیطان، زنده شدن دل‌ها، آرامش روحی، دفع بلا و شفاء آلام و دردهاست. ٣٥

یکی از نمونه‌های معنویت در نبردها، دُعاست. پیشوایان معصوم قبل از مواجهه با دشمن و در میدان کارزار همواره دست به نیایش و دعا برمی‌داشتند و از این طریق ارتباط

معنوی پیروان خود را با مبدأ اعلی برقرار نموده و روحیه آنها را تقویت می‌کردند. دعاهای امیرالمؤمنین (ع) در برخی خطبه‌های نهج البلاغه که قبل از درگیری‌ها ایراد شده شاهدهی بر این ادعاست،^{۳۶} سیره رسول خدا (ص) در پیکار با دشمنان چنین بود، ده‌ها دعا و نیایش از آن حضرت در نبردها ذکر شده است.

تا آنجا که نوشته‌اند بر شمشیر رسول خدا (ص) دعایی نقش بسته بود که آغازش چنین بود: «یا الله یا الله یا الله استلک یا ملک الملوک»^{۳۷} پیامبر اکرم در همه نبردها هنگام رویارویی با دشمن چنین دعا می‌کرد:

اللَّهُمَّ رَبَّنَا وَرَبَّهُمْ نَحْنُ عِبَادُكَ وَهُمْ عِبَادُكَ وَنَوَاصِينَا وَنَوَاصِيَهُمْ بِيَدِكَ، اِهْرَفْنَهُمْ
وَانصُرْنَا عَلَيْهِمْ.^{۳۸}

۱-۲. دعا در نبرد بدر

امام علی (ع) گوید در نبرد بدر، دیدم رسول خدا در سجده می‌گوید یا حتی یا قیوم و چنین دعا می‌کرد:

اللَّهُمَّ هَذِهِ قَرِيْشٌ قَدْ اَقْبَلَتْ بِخِيْلَانِهَا وَفَخْرَهَا تَخَاذُلُ وَتَكْذِبُ سُلُوْكَ، اللَّهُمَّ نَصْرُكَ
الَّذِي وَعَدْتَنِي اللَّهُمَّ اَخِيْهِمُ الْغَدَاةَ.^{۳۹}

۲-۲. دعا در نبرد اُحُد

در درگیری احد به هنگام تفرق مردم و پراکندگی مشرکین، اصحاب را پشت سرش جمع نموده چنین دعا کرد:

اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ كُلُّهُ اللَّهُمَّ لَا مَبِضَ لِمَا بَسَطْتَ وَلَا بَاسَطَ لِمَا قَبَضْتَ وَلَا هَادِيَ لِمَا
اَضَلَلْتَ وَلَا مُضِلَّ لِمَنْ هَدَيْتَ...^{۴۰}

۳-۲. دعا در احزاب

الف) هنگامی که علی (ع) را برای رویایی با عمرو بن عبدود می‌فرستاد او را نزدیک خود آورده و عمامه بر سرش پیچیده شمشیر ذوالفقار را به او بخشید و چنین برایش دعا کرد.

اللَّهُمَّ احْفَظْهُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ مِنْ خَلْفِهِ وَ عَنْ يَمِيْنِهِ وَ عَنْ شِمَالِهِ وَ مِنْ فَوْقِهِ وَ مِنْ تَحْتِهِ^{۴۱}

ب) حذیفه را فرستاد تا از وضعیت مشرکین خبر بیاورد او آمد در حالیکه طوفان سختی می‌وزید، شنید ابوسفیان فریاد می‌زند اینجا جای توقف نیست، شترها و اسب‌های ما از دست رفتند. یهود بنی قریظه پیمان خود را شکستند، طوفان چیزی برای ما

باقی نگذاشت. حذیفه بازگشت و ماجرا را برای رسول خدا، بیان کرد، حضرت چنین دعا کردند.

اللَّهُمَّ اَنْتَ مَنْزِلُ الْكِتَابِ سَرِيْعُ الْحِسَابِ اِهْزِمِ الْاِحْزَابَ اَللَّهُمَّ اِهْزِمْهُمْ وَزَلْزَلْهُمْ.^{۴۲}

۴-۲. دعا در حنین

هنگامی که سپاه اسلام مورد حمله غافل‌گیرانه قرار گرفت، صفوف مسلمانان از هم پاشیده شد رسول خدا (ص) دست به دعا برداشت و عرض کرد: «اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ وَالْيَكُ الْمُشْتَكِي وَ اَنْتَ الْمُسْتَعَانُ.»

جبرئیل امین فرود آمد و عرض کرد: ای رسول خدا (ص) دعایی کردی که موسی (ع) هنگام شکافته شدن دریا نمود و از شر فرعون نجات یافت، سپس رسول خدا کافی از ریگ از پسرعمویش ابوسفیان بن حرث گرفت و به صورت مشرکان پاشید و فرمود: «شَاهَتِ الْوَجُوْهَ؛ رُوِي شِمَا زَشْتِ بَادِ، اَنْتَ الْاَنْتَ الْاَنْتَ اَنْتَ.»

اللَّهُمَّ اِنْ تُهْلِكُ هَذِهِ الْعَصَابَةَ لَمْ تُعْبِدُوْا شَيْئًا اَنْ، فَلَا تُعْبِدُ.^{۴۳}

۳. نماز در جنگ

نماز نخستین فریضه‌ای است که پیامبر اکرم برای امت آورد و آخرین فریضه‌ای است که تا هنگام مرگ ساقط نمی‌شود نماز اول چیزی است که از آن سؤال می‌شود و مورد محاسبه قرار می‌گیرد. نماز ستون دین، نور چشم پیامبر، میزان اعمال، معراج مؤمن، رخساره ایمان، پایگاه اخلاص، سرود رهایی، باب رحمت الهی، کلید دل‌ها، سرود فرشتگان، بهجت بهشت، نشانه قدرت صالحان، بازدارنده از فحشاء و منکر، زمینه‌ساز نیکی‌ها، برترین عبادت، باب رحمت الهی، بهترین نوشته آخرت و بالاخره مورد سفارش همه انبیاء و اولیاء است.^{۴۴}

قرآن کریم می‌فرماید:

وَ جَعَلْنَا لَهُمْ اٰيٰتًا يَّهْتَدُوْنَ بِاَمْرِنَا وَ اَوْحَيْنَا اِلَيْهِمْ فِعْلَ الْخَيْرَاتِ وَ اِقَامَ الصَّلَاةَ وَ اٰتَاةَ الزَّكَاةَ وَ
كَانُوا لَنَا عَابِدِيْنَ.^{۴۵}

و آنها را پیشوایانی قرار دادیم که به فرمان ما مردم را هدایت می‌کردند و انجام کارهای نیک و برپاداشتن نماز و ادای زکات را به آنها وحی کردیم و آنها فقط مرا عبادت می‌کردند.

در این آیه شریفه که سخن از امامت و رهبری پیامبران بزرگ الهی و بیان برنامه‌های با ارزش آنان است. ۶ ویژگی را برشمرده که اقامه نماز پنجمین آنهاست. اقامه نماز به آنان وحی تشریحی شده که در برنامه آنان گنجانده است یا وحی تکوینی که توفیق و توان و جاذبه معنوی را برای انجام این امور به آنها بخشیده‌ایم.

یکی از مظاهر آشکار معنویت در نبردهای اسلامی، اهمیت به نماز است نبی مکرم اسلام و اصحابش همواره به یاد نماز بوده و از آن استعانت می‌جستند، اهمیت نماز به حدی است که در بین نمازهای تشریح شده یکی از آنها نماز خوف در جنگ است. کیفیت نماز خوف در سوره نساء آمده است.^{۴۶} تشریح این نماز به شیوه خاص در میدان جنگ مبتنی بر اهمیت و تأثیر این فریضه اسلامی است در پایان تبیین کیفیت نماز خوف در سوره نساء، قرآن کریم راز این همه سفارش و دقت درباره نماز را چنین ذکر می‌کند:

إِنَّ الصَّلَاةَ كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَوْقُوتًا.

همانا نماز وظیفه‌ای ثابت و معین برای مؤمنان است.

در منابع تاریخی آمده است رسول خدا(ص) از هیچ منزلی کوچ نمی‌کرد مگر آنکه در آنجا ۲ رکعت نماز می‌خواند و می‌فرمود شهادت بده.^{۴۷} هرگاه از سفر برمی‌گشت ابتدا به مسجد می‌رفت و ۲ رکعت نماز می‌خواند سپس راهی منزل می‌شد.^{۴۸}

۱-۳. نماز در بدر

امام علی(ع) می‌فرماید: در شبی که در روز آن نبرد بدر واقع شد دیدم همه مسلمانان خوابیدند جز رسول خدا(ص) که پای درختی تا صبح یا نماز می‌خواند یا دعا می‌کرد.^{۴۹}

۲-۳. احزاب و نماز

در نبرد احزاب، در شبی سرد و طوفانی به پیامبر خبر رسید قریش تصمیم گرفته‌اند به مکه برگردند آن شب تا دو سوم شب پیامبر نماز گذاردند.^{۵۰}

۳-۳. نبرد موته و سفارش به سجده

در نبرد موته عبدالله بن رواحه خدمت پیامبر رسید و عرض کرد ای رسول خدا به من عملی را فرمان دهید تا حفظ کنم.

یا رسول الله مُرْنِي بِشَيْءٍ أَحْفَظُهُ عَنكَ، قَالَ إِنَّكَ قَادِمٌ غَدًا بِلَدَا، السُّجُودُ بِه قَلِيلٌ فَأَكْثِرِ السُّجُودَ.^{۵۱}

پیامبر فرمود: «تو فردا در سرزمینی قدم می‌گذاری که سجده در برابر خدا در آن کم است، سپس زیاد سجده کن.»

۴. رعایت ارزش‌ها و احکام دینی

یکی از اصول حاکم بر نبردهای اسلامی رعایت مقررات و قوانین دینی است، نبی مکرم اسلام هرگز اجازه نمی‌داد در اوج درگیری‌ها و جنگ کسی ارزش‌ها و حدود الهی را زیر پا بگذارد همواره از مکر و خیانت، کشتن زنان، اطفال، نبرد قبل از اتمام حجت، پیمان‌شکنی، آزار اسیران و... منع می‌نمود. در اینجا به ۲ نمونه از سیره رسول خدا(ص) در این زمینه اشاره می‌کنیم.

۱-۴. امانتداری در جنگ

واقعی می‌نویسد: در نبرد خیبر، یسار حبشی، غلام سیاه عامر یهودی بود که گوسفندان وی را در اطراف خیبر می‌چرانید او وقتی دید که یهودیان خیبر برای جنگ مهیا می‌شوند از آنها پرسید، می‌خواهید با چه کسی بجنگید، گفتند با کسی که گمان می‌کند پیامبر است این جمله حس کنجکاوی یسار را برانگیخت برای همین در زمان محاصره، گوسفندان را به سوی اردوگاه سپاه اسلام پیش برد تا به آنها رسید، سپس نزد رسول خدا(ص) رفت و پرسید ای محمد چه می‌گویی و به سوی چه دعوت می‌کنی؟ فرمود: همه را به اسلام دعوت می‌کنم تا شهادت بدهند لا اله الا الله، محمد رسول الله، پرسید، اگر اسلام بیاورم چه سودی برای من دارد؟ فرمود: اگر ثابت قدم باشی، بهشت نصیب خواهد شد.

او اسلام را پذیرفت و سپس پرسید، با این گوسفندان که به عنوان ودیعه پیش من هستند چه کنم؟

فرمود: آنها را از اردوگاه لشکر بیرون ببر و جهت حرکتشان را مشخص کن و سپس با سنگ آنها را راهی کن تا پیش بروند خداوند امانت‌های تو را ادا خواهد کرد آن غلام چنین کرد.^{۵۲}

۲-۴. امانتداری در فتح مکه

در فتح مکه [کسی را] فرستاد تا کلید خانه کعبه را از بنی عبدالدار که هنوز مسلمان نشده بودند و از دشمنان سرسخت پیامبر بودند بگیرند تا داخل کعبه شود و بت‌ها را سرنگون کند، ایشان نتوانستند تمرد و مخالفت کنند و کلید را دادند اما هنگامی که پیامبر اکرم(ص)

از این کار فارغ شد، فرمود، تکلید را بر آنها برگردانند، عباس عمومی پیامبر آمد و عرض کرد کلید را به ما بده تا منصب پرده داری کعبه هم برای ما باشد، پیامبر قبول نکرد و فرمود «من یرکسانم دوست تر دارم که مظلوم باشند تا ظالم». سپس عثمان بن طلحه را خواست و کلید را به او داد و فرمود: «تا پایان دنیا دست شما باشد دربان کعبه باش و حلال بخور.»^{۵۳}

نتیجه

سیره و روش پیامبر اکرم (ص) و اصحابش در نبردهای صدر اسلام پرهیز از خونریزی و دعوت به صلح و امنیت بود آنان همواره تلاش داشتند دعوت به ایمان و هدایت مردم از راههای دیگری غیر از جنگ صورت پذیرد، تمام جنگ‌های پیامبر جنبه تدافعی داشت و هرگز ابتدایی به حساب نمی‌آید، رسول خدا ۱۳ سال در مکه آزارهای مشرکین را تحمل نمود تا آنکه با استمرار لجاجت و عناد در راه بت پرستی، خداوند به آن حضرت اجازه مقابله داد. نبردهای پیامبر آمیخته با روح عرفان و معنویت بود و هرگز اجازه نمی‌داد در مدیریت نظامی نبردها، اصول و ارزش‌های معنوی زیر پا گذاشته شود. در جنگ‌ها سفارش می‌کرد. حریم‌ها را حفظ کنید، قبل از جنگ اتمام حجت کنید، در روایات آمده است پیامبر اکرم (ص) فرمود:

یا علی لا تقاتل اهداً حتی تدعوه الی الاسلام وایم الله لان یمدی الله عزوجل علی یدیک رجلاً خیر لک مما طلعت علیه الشمس وغربت.^{۵۴}

ای علی با هیچ‌کس نبرد مکن، مگر اینکه او را به اسلام دعوت نمایی، به خدا سوگند اگر خدای عزوجل به دست تو یک نفر را هدایت کند برای تو بهتر است از آنچه خورشید بر آن طلوع کرده و غروب نموده است.

آنچه در این نوشتار ذکر شد، تبیین این اصل کلی بود که رعایت ارزش‌ها و معنویت همواره مورد تأکید نبی اکرم بود و هرکجا احساس می‌کرد افرادی اقدام به حریم شکنی و نادیده گرفتن ارزش‌های دینی کرده‌اند با آنان مقابله می‌نمود و تذکر می‌داد این ندای رسول خدا بود که: «اغز وبسم الله فی سبیل الله فقاتلوا من کفر بالله.»^{۵۵}

به نام خدا در راه خدا بجنگید با کسانی که کافر به خدا هستند.

این بیان نورانی ترسیم هدف مسلمانان از نبرد است که برای خدا و اعتلای نام خدا با کفر می‌جنگند.^{۵۶}

پی‌نوشتها:

۱. لغت‌نامه علی‌اکبر دهخدا، ۱۲/۱۷۹۷۲ انتشارات چاپ دانشگاه تهران، مؤسسه لغت‌نامه، ۱۳۷۷، چاپ دوم.
۲. همان، ۴/۲۱۱۹۰.
۳. همان، ۵/۷۸۷۸.
۴. انبیاء/۷۳.
۵. حجرات/۷.
۶. پیرامون انقلاب اسلامی مرتضی مطهری، ص ۱۷.
۷. انفال/۶۱.
۸. حج/۳۹.
۹. توبه/۶.
۱۰. بقره/۱۹۰.
۱۱. بقره/۱۹۳.
۱۲. توبه/۱۳.
۱۳. حج/۳۹.
۱۴. نهج البلاغه، خطبه ۲۷.
۱۵. نورالقلین، علی عروسی، ۱/۴۰۸.
۱۶. المغازی، محمدبن عمرو واقفی ۱/۵۸ تحقیق دکتر مارسون، نشر، دانش اسلامی، رمضان ۱۴۰۵.
۱۷. همان، ۲/۷۵۷.
۱۸. غرالحکم، ۱۰۴۰.
۱۹. غرالحکم، ۱۰۴۰.
۲۰. منتخب میزان الحکمه محمدی ری شهری، شماره ۶۳۲۶، چاپ و نشر دارالحدیث، چاپ پنجم، ۱۳۸۵.
۲۱. نساء/۷۴.
۲۲. توبه/۲۴.
۲۳. مجمع‌البیان، فضل بن الحسن طبرسی، ذیل آیه بیروت دارالمعرفه ۱۴۰۸ ق.
۲۴. انفال/۹.
۲۵. تاریخ‌نامه طبری، گردانیده منسوب به بلعمی، تصحیح محمد روشن، ۳/۱۷۸، تهران سروش، ۱۳۷۷.
۲۶. آل عمران/۱۷۲.
۲۷. آل عمران/۱۷۲.
۲۸. رک تاریخ‌نامه طبری، پیشین ۳/۱۷۹.
۲۹. مجمع‌البیان، پیشین ۳/۱۶۰، مغازی، ۱/۲۷۹ پیشین.
۳۰. رک تفسیر نمونه، مکارم شیرازی ۱۷/۲۴۴ تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ شانزدهم ۱۳۷۸ ش.
۳۱. احزاب/۲۲.
۳۲. اسراء/۸۱۰۸۰.
۳۳. رک، تفسیر القمی، ابوالحسن علی بن ابراهیم قمی، ص ۳۸۷.
۳۴. داستان‌های شنیدنی از فتح مکه و جنگ حنین، محمدی اشتهاردی، ص ۵۳، قم دفتر انتشارات اسلامی چاپ پنجم، ۱۳۷۲.
۳۵. نورالقلین، ۵/۵۸ پیشین.
۳۶. رک، نهج الدعاء، محمد محمدی ری شهری، مؤسسه علمی فرهنگی دارالحدیث، چاپ اول، سال ۱۳۸۵.
۳۷. رک، نهج البلاغه، خطبه ۱۷۱، ۲۰۶، ۱۲۴.

۳۸. ر.ک. الصحیحہ العلویہ، سید محمدباقر البطحی اصفہانی، ص ۴۹۱، مؤسسۃ الامام المہدی، ۱۳۸۱، الطبعة الاولى.
۳۹. الصحیحہ النبویہ، ص ۵۳۵، دعای ۸۱۴
۴۰. همان، ص ۵۳۶، دعای ۸۱۸
۴۱. همان، ص ۵۳۶، دعای ۸۲۱
۴۲. بحارالانوار، محمدباقر مجلسی، ۲۰/۲۱۵؛ تفسیر نمونہ، ۱۷/۲۶۳.
۴۳. بحارالانوار، محمدباقر مجلسی، ۲۰/۲۱۵؛ تفسیر نمونہ ۱۷/۲۶۳.
۴۴. همان، ۲۱/۱۵۰.
۴۵. ر.ک. الصلاة في الكتاب والسنة، محمد محمدی ری شہری، انتشارات دارالحدیث، ۱۳۷۶، الطبعة الاولى.
۴۶. انبیاء/۷۳.
۴۷. نساء/۱۰۲.
۴۸. خاتم النبیین، علی کمالی دزفولی، ص ۲۰۸، انتشارات اسر، ۱۳۷۲.
۴۹. همان، ص ۲۰۹.
۵۰. المغازی، ۱/۵۳، پیشین.
۵۱. همان، ۲/۴۸۸.
۵۲. همان، ۲/۷۵۸.
۵۳. همان ۲/۶۴۹ تاریخ تحلیلی اسلام، یوسفی غروی ترجمہ حسن علی عربی، ۴/۳۳.
۵۴. همان، ۲/۸۳۳.
۵۵. الکافی، ۵/۳۶.
۵۶. المغازی ۲/۷۵۸.